

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمی دهند،
ولی جهانی را بدست خواهند آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

صدای پای کارگران پشت در بیت رهبر

مصاحبه با مصطفی صابر



مصطفی صابر
عضو دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری

اعتصابات کارگری همه جا در جریان است و معلمان یک اعتصاب سراسری مهم را به پیش می برند. اما در مورد اردبیلی، یاد می آید که در اولین نماز جمعه بعد از پایان جنگ ایران و عراق نعره میزد: حالا فکر نکنید جنگ تمام شده و فکر ۴۰ ساعت کار باشید! حالا این آدمخوار هم به فکر

که یکی از فاکتورهای اصلی خالی کردن زیر پای حکومت این اوباش است. بنظرم کسی اینها را جدی نمیگیرد. برای یک کارگر آگاه و انسان شریف لفظ فتوا دیگر چندان آور و حال بهم زن است. مساله واقعی اینطور است که کارگران اعتصاب را عملاً به رژیم تحمیل کرده اند و دارند به سمت برپایی و تحمیل تشکل

فتوا در تایید اعتصاب افتاده است! گرچه رندی آخوندی اش سرچایش هست. فتوای او اعتصاب را بشرطی که حقوق کارگر پرداخت نشده باشد مجاز میدانند. با همین فتوا کارفرما میتواند شرعاً خواهان پایان اعتصاب شود. چون میتواند مدعی شود که حق کارگر را پرداخته است. همه حکمت حق اعتصاب

انقلاب کارگری: به نظر میرسد که رژیم در رابطه با اعتصابات کارگری کاملاً در تنگنا قرار گرفته است. دو هفته پیش موسوی اردبیلی ظاهراً به نفع اعتصاب فتوا داد و امروز خامنه ای در این مورد اظهار نظر رسمی نموده و اعتصاب را منع کرده است. نظر شما در این مورد چیست؟

مصطفی صابر: این فتواها مایه مزاح و انبساط خاطر است. فقط اینرا نشان میدهد که حضرات گاریشان در سربالایی است و در نتیجه گاز میگیرند و ریش همدیگر را میکشند. کارگران دارند کار خودشان را میکنند.

حتی فتوای خمینی که گفت اعتصاب حرام است نیز نتوانست جلوی اعتصابات را بگیرد. در ۲۵ سال گذشته هر روز و در هر گوشه مملکت اعتصابات «حرام» در جریان بوده و اینروزها داریم می بینیم که هر دم وسعت و عمق هم پیدا میکند. اگر خمینی نتوانست اعتصاب را متوقف کند علی خامنه ای که همپالکی های خودش هم قبولش ندارند غلطی نمی تواند بکند. جالب است که فتوای آقا درست وقتی می آید که

در این است که وقتی کارگر فکر میکند برای بهبود شرایط خودش باید دست به اعتراض جمعی بزند و کار را متوقف کند، بتواند بی هیچ قید و شرط و مانعی این کار را بکند.

اما همانطور که گفتیم این فتواها مایه تمسخر و جک کارگران میشود. اسلام و فتوا و حکومتش روی هوا است و حالا اینها راجع به اعتصاب فتوا میدهند! آنهم اعتصابات

تبریک سال نو با آرزوی سالی شاد، آزاد و برابر



های علنی خود به پیش میروند. رسمیت قانونی اعتصاب و تشکل طبعاً همچنان موضوعیت دارد اما بنظرم مبارزه کارگری کل حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است. به نمونه هایی مثل بهشهر و خاتون آباد نگاه کنید همه چیز دستتان می آید.

صفحه ۲

**دستمزد کارگران باید به اندازه
حقوق نمایندگان مجلس افزایش یابد!**

سرنگونی جمهوری اسلامی نزدیک است، چه باید کرد؟

مصاحبه رادیو انترناسیونال با کورش مدرسی



کورش مدرسی

رئیس دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری

سیاوش دانشور: تحلیل دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران از اوضاع اخیر ایران چیست با توجه به درگیری هایی که در شهرهای مختلف ایران هر روز گسترش پیدا می کند؟

کورش مدرسی: تردیدی نیست که جمهوری اسلامی در پروسه سرنگونی است مردم دارند سرنگوش میکنند. نقش حزب کمونیست کارگری این است که این انقلاب را سریعتر و موثرتر به جلو ببرد و جمهوری اسلامی را سرنگون بکند و مردم را از شر این وضعیت نجات بدهد.

سیاوش دانشور: چه رهنمودی خطاب به مردم ایران دارید؟ باید چکار بکنند در این اوضاع، کارهای مشخص چه چیزی

است با توجه به اینکه درگیرها بشدت گسترش پیدا میکند و مردم دارند به مراکز قدرت رژیم حمله میکنند، امروز چکار باید کرد؟

کورش مدرسی: متشکل شدن، متحد شدن، هم پرچم کردن اعتراضات، هم شعار شدن، هماهمنگ کردن مبارزات زیر پرچم حزب کمونیست کارگری. مردم آزادی میخواهند باید بگویند، زنده

باد آزادی. مردم برابری میخواهند، باید بگویند زنده باد برابری. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند، باید بگویند مرگ بر جمهوری اسلامی. مردم باید مبارزاتشان را با هم هماهنگ کنند. رهبران مردم در سطوح مختلف با هم تماس بگیرند و مهمتر از همه با حزب کمونیست کارگری تماس بگیرند. تماس با حزب کمونیست کارگری ابزار یک کاسه کردن، سراسری کردن، متحد کردن کل مبارزات است. ما دست رهبران مختلف را در سطوح مختلف در دست هم میگذاریم، هماهنگشان می کنیم.

سیاوش دانشور: با توجه به وقایع فریدونکنار و بابل که آخرین مورد بود به دنبال ایده، خاتون آباد و شهرهای مختلف کردستان، فکر میکنید جمهوری اسلامی تا چه اندازه توان مقابله با مردم را در این شکل دارد

کورش مدرسی: هرچه مردم وسیعتر به جمهوری اسلامی اعتراض کنند و هرچه وسیعتر

صفحه ۲

نابود باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

تعیین حداقل دستمزد توهین به شأن انسان است



امیر توکلی

واقعا دنیای وارونه داریم. ما هستیم که کار میکنیم و از قبل تولیداتمان نیازهای جامعه را برآورده می کنیم. ما هستیم که از مواد خوارکی تا حمل و نقل، از مصالح ساختمانی تا ایجاد نیروگاههای برق، از استخراج در اعماق زمین تا کار بر آسمان خراشها را انجام میدهم. جامعه انسانی بر دوش کارگران آن جامعه باز تولید میشود. اگر ما کارگران کار نکنیم جامعه گرسنه می ماند، اگر جاده ها ساخته نشوند و رانندگان اعتصاب کنند، جامعه زمین گیر میشود. اگر معدنچیان و کارگران ساختمانی کار را بخواهاند، آسمان خراشها و خانه ها ساخته نمیشود و انسانها باید در طبیعت به جستجوی سرپناهی باشند. اما وقتی خود ما تولید

کنندگان میخواهیم از همین امکانات و تولیداتی که با دستهای خودمان ساخته شده است، استفاده کنیم. با سیستمی کاملا ضد انسانی و ضدکارگری مواجه میشویم. تولیدات را ما بوجود آورده ایم، اما طبقه ای دیگر که نقشی در تولید نداشته است، صاحب آن شده. باید برای زنده ماندن با او بر سر حداقل معیشت در مبارزه دائمی باشیم. اکثریت جامعه در وضعیتی فرو دست چشم به طبقه ای انکل دوخته است که دستمزدش را بدهد. بچه هایمان از همان کودکی باید نظاره گر ویتترین های پر از کالاهایی باشند که مادران و پدران خودشان تولید کرده اند. وقتی از سطح زندگی این اکثریت تولید کنندگان جامعه یعنی کارگران صحبت میشود فوراً این معیارها به ذهن میآیند: نان بخور و نمیر، خانه ای حقیر و نامناسب، بچه هایی با بی امکاناتی کامل، با سطح بهداشت نازل، با مدرسی غیر استاندارد، با پوشاکی نامناسب و بقیه را خودتان بهتر میدانید. چرا نباید طبقه کارگر هم همان استاندارد زندگی را داشته باشد که طبقه سرمایه دار دارد؟ طبقه ای که در بازتولید جامعه بیکاره است اما صاحب ثروت جامعه شده است. میگویند نگهداری جامعه خرج دارد، بودجه های مختلفی را ردیف می کنند از بودجه ارتش تا ادارت دولتی تا نیروهای اوباش و گله های حزب الله تا بیت رهبری و مخارج حزب

از «یک دنیای بهتر»



آزادی، برابری، رفاه تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با

اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری داتما بعنوان شاخصهای سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخصها قرار دارند.

دقیقا همین ایده آلهای بنیادهای معنوی کمونیسم کارگری را تشکیل میدهند. کمونیسم کارگری جنبشی برای دگرگونی جهان و برپایی جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.

از «یک دنیای بهتر»، نوشته منصور حکمت

ادامه

چه باید کرد؟

به خیابان بیایند، جمهوری اسلامی امکان مقابله کمتری دارد. جمهوری اسلامی حتما سعی میکند عکس العمل نشان دهد اما با قدرتی که امروز مردم دارند از خودشان نشان میدهند و در ابعادی که مبارزه در جریان است، مردم عملاً جمهوری اسلامی را فلج کرده اند. وسعت مبارزه، اینکه تعداد وسیعی مردم در صف اعتراض باشند، و تعدد شهرها و اماکنی که اعتراض در آنها جاری است کل ارتش و سپاه پاسداران را و دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را از روحیه میاندازد، متفرقشان میکند و انرژی آنها را برای عکس العمل میخشکاند. مردم میتوانند دار و دسته حزب اللهی دارو دسته های انصارالله اوباش گله های طرفدار اسلام

را جارو کنند. کنترل را بدست بگیرند و جمهوری اسلامی را عملاً فلج کنند. وسعت مبارزه مساوی است با فلج شدن جمهوری اسلامی این را باید دید و بهای لازم را به آن داد.

سیاوش دانشور: برای مقابله با نیروهای سرکوب باید چه کار مشخصی را انجام داد؟
گورش مدرسی: بستگی به محل دارد و جا به جا فرق میکند. بعضی جاها باید بایستید مقاومت بکنید، شعار بدهید، خنثی شان بکنید. بعضی جاها باید تعرض متقابل بکنید. باید دید که در هر جا چکار باید کرد. منتها مردم باید تلاش کنند که جمهوری اسلامی فلج شود. و هر جا که عملی هست هر جا که ممکن هست آنها را پاک کنند و از کار بیاندازندشان.

انقلاب کارگری

شنبه ها

منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن:

00 358 405 821 776

ایمیل:

tavakoli@hotmail.com

مسئول توزیع

ناصر اصغری

nasser_asgari@yahoo.com

نشریه از این سایتها

قابل دسترسی است

www.kargaran.org

www.rowzane.com

رادیو و تلویزیون ۲۴ ساعته «کانال جدید»

را به دوستانتان معرفی کنید!

تلویزیون هر روز از ساعت ۸ تا ۱۰ شب

به وقت تهران و رادیو در ۲۲ ساعت بقیه

روز بر روی همین طول موج پخش میگردد

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: Horizontal

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

جنگ حکم ها

حکم اعتصابات کارگری برای سرنگونی و حکم حکومتی خامنه ای برای حفظ نظام اسلامی

اوائل انقلاب یافت. حکم حکومتی خمینی فقط با شروع جنگ و با سرکوب گسترده سال ۶۰ توانست اجرا شود. با همه اینها، جمهوری اسلامی در هیچ دوره ای از عمر خود از اعتصاب و اعتراض کارگری در امان نبود. اعتصابات کارگری علیرغم سرکوبهای وحشیانه و زندان و شکنجه رهبران و فعالین جنبش اعتصابی کارگری ادامه داشت. حکم حکومتی خامنه ای بر علیه اعتصاب کارگری در شرایطی عنوان میشود که جمهوری اسلامی از هر طرف در محاصره مردم معترض، مردمی که حکم به سرنگونی آن داده اند، قرار دارد. این حکم در شرایطی عنوان میشود که جمهوری اسلامی نه تنها توان اجرای این حکم را ندارد، بلکه هر تلاش برای اجرای این حکم شعله آتش برای نابودی جمهوری اسلامی را بیشتر شعله ور میسازد. اگر حکم حکومتی خمینی در شرایط قلدری جمهوری اسلامی نتوانست به اجرا در آید و کارگران در مقابل آن مقاومت وسیعی کردند، حکم حکومتی خامنه ای در شرایط امروز فقط کوبیدن میخی دیگر بر تابوت جمهوری اسلامی خواهد بود. اینبار حکم اعتصابات کارگری برای سرنگونی جمهوری اسلامی، حکم خامنه ای بر علیه اعتصابات کارگری را باطل میسازد. جنگ طبقه کارگر و بورژوازی در جنگ احکام طبقه کارگر و خامنه ای وارد دور نوینی میشود. حکم طبقه کارگر تضعیف و نابودی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و سوسیالیسم میباشد.



محمود فروزینی

خواست مانند خواست پرداخت دستمزدهای معوقه باشد، به قدرتمندتر شدن طبقه کارگر، به دامن زدن به اعتراضات و اعتصابات کارگری و در شرایط کنونی به دامن زدن و گسترش کل اعتراض مردم بر علیه جمهوری اسلامی و به نیرویابی جنبش سرنگونی برای به زیر کشیدن «نظام مقدس اسلامی»، خدمت میکند. به خصوص اینکه گسترش اعتصابات کارگری، طبقه کارگر را در محور جنبش سرنگونی و رهبری آن قرار میدهد و با به میدان آمدن کارگران نفت و به اعتصاب کشیده شدن نفت، سوت پایان عمر رژیم کشیده میشود. و این نه تنها به زیر کشیدن نظام اسلامی را در خود دارد، بلکه مهر طبقه کارگر و سوسیالیسم را در هر تحولی در آینده ایران میکوبد. اعتصابات کارگری با خود متحد و متشکل شدن کارگران، نیرومندی کمونیسم و حزب کمونیستی طبقه کارگر (حزب کمونیست کارگری ایران) را همراه دارد. اما همانطور که حکم حکومتی خمینی مبنی بر حرام بودن اعتصاب کارگری نتوانست از اعتصابات کارگری جلوگیری کند، حکم حکومتی خامنه ای نیز نمیتواند کاری از پیش ببرد. حکم حکومتی خمینی خود را در سرکوب وسیع و خونین اعتصابات و اعتراضات کارگری در سالهای

حکم خامنه ای بر علیه اعتصابات کارگری در مقابل حکم اعتصابات کارگری برای سرنگونی رژیم اسلامی است. حکم حکومتی خامنه ای که یکبار دیگر بر حکم حکومتی خمینی در سالهای اول انقلاب مبنی بر «اعتصابات کارگری حرام است»، تاکید گذاشت، خود، جایگاه ویژه قدرت کارگران در جامعه و در بزیر کشیدن جمهوری اسلامی را بیان می نماید. خامنه ای در مقابل این سوال که حکم حکومتی منع اعتصابات کارگری در شرایط جنگ و نوپا بودن نظام جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شد و حالا با توجه به تغییر شرایط آیا کارگران اجازه استفاده از حق اعتصاب را دارند، پاسخ داد که هرگونه عملی که موجب تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی شود جایز نیست. همانطور که خمینی نقش اعتصابات و اعتراضات کارگری را در تضعیف و در نهایت سرنگونی حکومت اسلامی درک کرده بود و میدانست یک شرط اساسی برای تثبیت حکومت اسلامی، سرکوب کارگران و تشکل های کارگری و جلوگیری از اعتصابات و اعتراضات کارگری است، امروز هم خامنه ای و کل حکومت اسلامی این را خوب میدانند که هر اعتصاب کارگری برای یک مطالبه صنفی هم «تضعیف نظام مقدس اسلامی» و حکم سرنگونی جمهوری اسلامی را با خود دارد. هر اعتصاب و اعتراض کارگری در ایران، حتی اگر آن اعتصاب و اعتراض برای تدافعی ترین

ادامه

صدای پای کارگران

انقلاب کارگری: عملاً این اظهار نظرها چه جایگاهی در کشمکش بین دولت سرمایه داران و طبقه کارگر دارد؟ آیا رژیم با این احکام میتواند اعتراضات کارگری را محدود و یا سرکوب کند؟

مصطفی صابو: این فتواها از یکسو انعکاس دعوی درونی رژیم است و از سوی دیگر قرار است تا مگر فضا را شلوع کند و هواس ها را پرت کند. مدتی است که خانه کارگری ها و باند محبوب میکوشند اینطور وانمود کنند که طرفدار حق اعتصاب هستند تا مگر کسی را دنبال خود بکشند. فتوای اردبیلی به نفع پروژه آنهاست. اما حکومت اسلامی و خامنه ای میدانند که اگر حتی یک ذره هم از «اعتصاب حرام است» کوتاه بیاید، وضعیتشان حتی از این بدتر میشود. آنها میدانند که اگر حکومت اسلامی برای مثال حق اعتصاب را برسمیت بشناسد نمی تواند از این طریق بر عمر خود بیفزاید. لذا خامنه ای دارد جواب اردبیلی را میدهد که حتی تظاهر به قبول حق اعتصاب نیز به صلاح نیست. یا بقول خودش در همین فتوا: «هر گونه عملی که موجب تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی شود جایز نیست». ولی در همان حال کل این رفت و برگشت ها و این فتوا پراکنی ها خودش موضوع کار ایلنا و آن بخش هایی از جمهوری اسلامی (مثل خانه کارگر) است که وظیفه شان سرکوب و مهار جنبش کارگری است.

این فتوای مسخره قرار است خوراک تبلیغاتی به ارادل اسلامی در محیط های کارگری بدهد. ارزش مصرف این فتواها برای حکومت اسلامی در همین حدود است و گرنه کل دستگاه عریض و طویل دولت اسلامی برای سرکوب اعتراضات کارگری (چه در وزارت اطلاعات، چه وزارت کار و چه نیروی انتظامی و شورای امنیت استانها و چه خانه کارگر و غیره) شب و روز مشغول کار است.

کارگران این چیزها را خوب میدانند و اهمیت خاصی برای این فتواها قائل نیستند. نه کسی تره به ریش اردبیلی خرد میکند و نه کسی از فتوای خامنه ای قالب تهی میکند و از فکر اعتصاب منصرف میشود. همانطور که گفتم کارگران کار خودشان را میکنند. آزادی بی قید و شرط اعتصاب و اجتماع و تشکل خواست کارگران است و آنرا به نیروی اتحاد و مبارزه خود بدست خواهند آورد و به قانون کشور تبدیل خواهند کرد. اما همه مساله این است که امروز در ایران یک انقلاب در جریان است و مساله سرنگون کردن جمهوری اسلامی و تشکیل حکومت بعدی مطرح است. صورت مساله مقابل کارگران طبعاً اینست که نه فقط نیروی خود را متحد و متشکل کنند و در پیشاپیش مردم انقلابی جمهوری اسلامی را از سر راه بردارند و حقوق مسلم خود را بدست آورند، بلکه خود حکومت را بدست گیرند و کل این بردگی مزدی را بگور بسپارند.

رادیو اترناسیونال

رادیونی قوی با پوشش

سراسری در ایران

صدای آزادی، صدای حقیقت

صدای کارگر، صدای انسانیت

به همه طول موج

رادیو را معرفی کنید

۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز

کارگران جهان متحد شوید!

” Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win.”

WORKERS REVOLUTION

Nr. 18

20.03.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت چهاردهم

پرولتاریایی که مارکس تعریف کرد یک پدیده عینی اجتماعی بود. در حقیقت مارکس پرولتاریا را تعریف نکرد، بلکه مشاهده کرد، از آن شروع کرد. اکنون در ادبیات این نوع چپ، پرولتاریا دیگر شباهتی به آن کارگر محصول تولید بزرگ ندارد. پرولتاریا به چیزی تبدیل شده که دیگر میتواند کارگر نباشد. میتواند هرکسی باشد، مشروط بر اینکه بخواهد عامل انسانی این تغییرات بشود. درست است که در احزاب پرولتری افراد از اقشار مختلف عضو میشوند. درست است که هر کمونیستی به هر خاستگاه و موقعیت طبقاتی یک عنصر شرکت کننده در مبارزه طبقاتی پرولتری است. ولی باید بدوا تبیین اساسی و نظری ای از پرولتاریا داشت تا به اعتبار آن بتوان حزبی را حزبی درگیر در یک مبارزه پرولتری خواند. خصلت ایژکتیو تعریف پرولتاریا، سنگ بنای درک مبارزه سوسیالیستی و اهداف بویژه اقتصادی مبارزه سوسیالیستی در جامعه است. اگر این مقوله تحریف شود، آنوقت راه برای تحریف کارآکتر اجتماعی مبارزه کمونیستی و بنیاد اقتصادی انقلاب کمونیستی هموار تر میشود

دسترس طبقه کارگر دور است و برای او بدون واسطگی این جنبشهای دیگر، دست نیافتنی است، کارگر از تنوری انقلابش محروم میشود.

پرولتاریا: خود مقوله پرولتاریا یکی از مقولات محوری ای است که در انواع کمونیسم بورژوایی مورد دست اندازی و تحریف قرار میگیرد. پرولتاریا هم ایده آلیزه شده است. برای مارکسیسم پرولتاریا یک پدیده عینی و یک محصول مادی پیدایش سرمایه داری است. وقتی اصول کمونیسم را میخوانید، می بینید انگلس در تعریف پرولتاریا دارد از یک موقعیت عینی اجتماعی حرف میزند، اشکال تولیدی ماقبل سرمایه داری را که میخوانید همین را می بینید. ایدئولوژی آلمانی و مانیفست کمونیست هم همینطور. پرولتاریا یک پدیده عینی است. آنجاست. پرولتاریا در دیدگاه چپ غیر کارگری به تجسم انسانی یک آگاهی تبدیل میشود. شاید ریشه این روش برخورد برمیگردد به مقوله خرد در فلسفه آلمانی که مورد نقد مارکس است. پرولتاریا به عامل انسانی اجرای طرحهای اجتماعی حکیمانانه و خردمندانه ویژه ای بدل شده است. عنصر و عامل انسانی ای است با چهره نورانی که قرار است پیش بینی های تنوری را جامعه عمل بپوشاند. اما

این موتور محرکه تاریخ است. یا از مبارزه خلق و امپریالیسم، مبارزه بر سر استقلال و خود مختاری و علیه تبعیض نژادی یا اشغال خارجی و غیره بعنوان قلمروهایی صحبت میشود که گویا جای مبارزه طبقاتی نشسته است. بعضی تصور میکنند مبارزه طبقاتی صرفا در دوره های خاصی و با شرط تحقق ملزومات

عقیدتی و سیاسی و حزبی معینی جریان پیدا میکند. اینگونه تبیین ها تماما ناظر بر انکار وجود یک مبارزه طبقاتی دائمی در جامعه میان طبقات اصلی، یعنی کارگر و بورژواست. اساس همه اینها باز بنحوی انکار طبقه و موجودیت و اعتراض جاری اش است. انکار جنبش سوسیالیستی کارگر بعنوان یک جریان اجتماعی است و لاجرم انکار تعلق مارکسیسم به جنبش سوسیالیستی و کمونیستی کارگری است. و تمام این تئوریا برای اینست که این پرچم دست کس دیگری بماند. وقتی کسی که میگوید "اختناق نمیگذارد مبارزه طبقاتی به آنصورت جریان داشته باشد، فلان و بهمان مطلق را باید شکست و غیره" منظورش اینست که پرچم مارکسیسم باید دست من باشد تو (طبقه) نمیتوانی. الان فقط آن عده قلیل از انقلابیونی که چنین و چنان میکنند میتوانند پرچمدار کمونیسم در جامعه باشند این عملا مصادره ایدئولوژیکی طبقه کارگر است. با تبدیل کردن مارکسیسم به چیزی که از

که جنبش مدعی سوسیالیسم در کشورهای مختلف است که در آن مکان اجتماعی- طبقاتی نمانده است و در موضع اصلاح طلبی، موعظه خوانی برای جامعه سرمایه داری و تلاش برای ایجاد تغییرات موضعی در آن قرار گرفته و به جنبش جناح چپ بورژوایی تبدیل شده است. در رگه های مختلف کمونیسم بورژوایی مقولات

مارکسیستی زیادی مورد تجدید نظر قرار گرفته که من به برخی از آنها اشاره کوتاهی میکنم:

مبارزه طبقاتی. مبارزه طبقاتی به مقوله عجیب و غریب و اساطیری تبدیل شده است. در تئوریهای برخی جریانها مبارزه طبقاتی یک پدیده ایده هرکسی نمیتواند به آن دست بزند. ظاهرا هر اعتراضی جزو مبارزه طبقاتی نیست. مبارزه طبقاتی باید این یا آن مشخصات را داشته باشد و به این یا آن حد نصابها رسیده باشد تا بتوان به آن مبارزه طبقاتی اطلاق کرد. از طرف دیگر وجود چنان درجه ای از عنصر آگاهی از "مبارزه طبقاتی" انتظار می رود که یک ماتریالیست دیگر نمیتواند آن را موتور محرکه تاریخ تعریف کند. میگویند مبارزه طبقاتی آن است که کارگر در آن از پیش بداند که هدف نهایی اش چیست، چه جامعه ای میخواهد بیاورد و چه ایسمی باید پشت آن باشد. اما اگر بنا باشد مبارزه طبقاتی این باشد، مارکس هیچوقت نمیتوانست بگوید

برای اینکه این انتقال به کمونیسم بورژوایی انجام شده باشد، یعنی به درجه ای که این انتقال انجام شده، میبایست در مارکسیسم بعنوان یک دیدگاه و تنوری و اندیشه دست میبردند. مارکسیسم به این دلیل تعریف شده که امرهای اجتماعی معینی بر امر اجتماعی طبقه کارگر در صحنه جهان مقدم شده. بورژوایی توانسته دستور و اولویتهای خودش را به صحنه سیاسی جامعه و حتی به اقشار و طبقات ناراضی تحمیل بکند. از یکطرف با سرکوب و از طرف دیگر با تحریف توانسته امر سوسیالیسم طبقه کارگر را به حاشیه براند. در کمونیسم بورژوایی مقوله مبارزه طبقاتی با اعمال فشار برای تغییراتی در راستائی که بخشهای مختلفی از بورژوایی پیشنهاد میکنند جایگزین شده است. در این شرایط سر و دم مارکسیسم هم باید چیده بشود تا بتواند بدر این کار بخورد. و اینجاست که من میگویم این پیش افتادن و دست بالا پیدا کردن جنبشهای اجتماعی دیگر است که باعث میشود در مارکسیسم تحریف بوجود بیاید و این تحریف و تجدید نظر در مارکسیسم تطبیق آن با استفاده جنبشهای اجتماعی دیگر از آن است. نه برعکس، یعنی به این صورت نیست که بدوا مارکسیسم از نظر تئوریک تحریف بشود و بعد جنبش پرولتری مربوطه بتدریج بورژوائی بشود. هیچوقت این چنین اتفاقی نیافتد. جنبش پرولتری در آن کشمکش دائمی سر جای خودش هست، مساله این است

ادامه در شماره بعد

آزادی برابری حکومت کارگری